

بررسی چگونگی ساختار و عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری فضاهای شهری بر مبنای حس تعلق مکانی بین شهروندان تهرانی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۹/۰۳/۰۷

سارا میرزاحسین (گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)
ملیحه احمدی* (گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)
کیانوش ذاکر حقیقی (گروه شهرسازی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران)

چکیده:

زیست‌پذیری نقش اساسی در حیات، رشد شهرها و کیفیت زندگی شهروندان دارد. بسیاری از شهرهای ایران به رغم داشتن توانایی‌های محیطی بالا، با مسائل و تنگناهای زیست‌پذیری متعددی روبه‌رو هستند که یافتن راهکار برای آنها از اولویت‌های اساسی به شمار می‌رود. زیست‌پذیری به عنوان مکانی مناسب برای زندگی انسانی معنا شده است. یکی از ابعادی که این مفهوم را تحت تأثیر قرار داده است، جوانب معنایی و ذهنی شهروندان است که بارزترین آنها مفهوم حس تعلق به مکان در شهر از نگاه شهروندان است. در همین راستا، در این پژوهش، اثر حس تعلق مکانی بر زیست‌پذیری شهروندان در شهر تهران بررسی شده است. انتخاب شهر تهران نیز به دلیل جمعیت بالای شهرنشین و جابجایی زیاد جمعیت در آن است که در حال حاضر با مسایل زیست‌پذیری روبرو است. برای رسیدن به این هدف، روش تحلیل عاملی مبتنی بر معادلات ساختاری با ابزار پرسشنامه در مناطق یک، چهار، پنج و شش تهران است. علت انتخاب این مناطق، واجد بودن ترکیبی مناسب از بافت قدیم و نوساز و همچنین شرایط مختلف محیطی در بین مناطق منتخب شهر تهران است. نتایج نشان داد که مؤثرترین مسیر ارتقای زیست‌پذیری که آماره t آن در محدوده $۵/۳$ تا $۳۶/۷$ است؛ شامل مسیر (کالبد-معنا- سرمایه فرهنگی-حس مکان-کیفیت زندگی ذهنی-زیست‌پذیری) است. همچنین درک از وضعیت موجود شهر توسط شهروندان تهرانی، در دو مرحله اجتماعی و روانی صورت می‌پذیرد که مرحله اجتماعی یعنی درک روابط جمعی بیرونی مقدم بر جنبه روانی یعنی ادراکات ذهنی افراد خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: زیست‌پذیری شهری، حس تعلق مکانی، فضای شهری، شهروند تهرانی، مدل‌سازی معادلات ساختاری.

۱. مقدمه

با تشدید بحران‌های زیست محیطی، اقتصادی و انرژی در جهان، مطالعه بر روی شهرها، که محل زندگی بخش عمده‌ای از مردم جوامع گوناگون است، از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است. امروزه رهیافت‌های گوناگونی از جمله پایداری، کیفیت زندگی، رشد هوشمند، نوشهرگرایی و زیست‌پذیری برای حل معضلات موجود در زندگی شهری استفاده شده است. در این خصوص، زیست‌پذیری یکی از مهمترین مؤلفه‌های پیوسته با زندگی شهری است. زیست‌پذیری به دلیل کیفیت پایین محیط، آلودگی صوتی و هوا در شهرها، از اواخر سده بیستم به طوری جدی مورد توجه محققان و برنامه‌ریزان شهری بوده است (Jacobs and Appleyard, 1987:112).

در این خصوص، Jacobs and Appleyard (1987) زیست‌پذیری را به عنوان یکی از رویکردهای دستیابی به محیط شهری قابل زیست و باکیفیت معرفی کردند که هدف اصلی آن بهبود کیفیت فضاهای شهری با مقیاس انسانی در شهرهای نوین، است. (Pryer (2017) زیست‌پذیری شهری را از جمله راهبردهای دستیابی به فضاهای شهری پایدار معرفی کرد. همچنین سازمان‌های گوناگون از طریق برنامه‌ریزی‌های محلی خود، توسعه‌ی شهرهایی با قابلیت پیاده‌روی، توسعه‌ی کاربری‌های چندگانه و ایجاد دامنه‌ی متنوعی از تسهیلات همگانی شهری، برای زیست‌پذیر و لذت‌بخش‌تر کردن محیط‌های شهری را گسترش داده‌اند. طرفداران زیست‌پذیری، در تحقیقات خود از اندیشه‌های صاحب نظران شهری در سده بیستم نظیر Lewis Mumford, William H Whyte و Rudofsky Bernard الهام گرفته‌اند (ویلر، ۱۳۹۳:۲۵).

در سال‌های اخیر، مکان مطلوب برای سکونت مردم، با توجه به گسترش جوامع و تغییر شیوه زندگی از اهمیت بسیاری برخوردار شده است. پیوند بین انسان و مکان یا «احساس تعلق»، مبنایی برای ارضای بسیاری از نیازهای انسان به واسطه مکان و معنا بخشی به زندگی است. بنابراین، یکی از رسالت‌های شهرسازان، خلق رابطه‌ای متناسب بین انسان‌ها و کالبد اطرافشان است (Dengen, 192۰:۱۸). برای نیل به این هدف، خالقان فضا باید درک صحیحی از رفتار انسان در محیط‌های متفاوت داشته باشند، به نحوی که پیوند انسان و مکان را قوی‌تر سازند (Waxman, 2004:76). پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی، دربرگیرنده پیام‌ها و رمزهایی است که مردم بر پایه نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، آنها را رمزگشایی و درک می‌کنند. این حس کلی که پس از ادراک و داوری نسبت به محیط ویژه در فرد ایجاد می‌شود، حس مکان نامیده می‌شود (Relph, 1976:48).

مروری بر تحقیقات انجام شده درباره حس تعلق مکانی، نشان می‌دهد که این مفهوم برآیند سه عامل فرد، دیگران و محیط است (رلف، ۱۳۹۷: ۵۸). همچنین حس تعلق از دو دسته عوامل انسان شناسی (تعلق اجتماعی) و عوامل کالبدی مکان (تعلق کالبدی) تشکیل شده است (Shamai & Ilatov, 2005:470). هرچند معانی زیادی برای مکان و فضا گفته شده است؛ ولی مشخصه‌ی مکان که در این پژوهش به آن توجه می‌شود، ویژه‌تر بودن آن نسبت به فضا و درهم تنیدگی آن با ارزش‌های انسانی است که منجر به خلق محیط مطلوب انسان می‌گردد. به راستی نکاتی از قبیل شناخت انسان، روحیات و فرهنگ کمتر مورد توجه طراحان بوده است؛ که نتیجه آن بیگانه شدن انسان با مکان است (Usamah, 2014:180).

شهر تهران در چند دهه‌ی اخیر با تحولات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی فراوانی همراه بوده است، به طوری که مشکلات شهر تهران از جمله رشد جمعیت بالا، مهاجرت‌های شهری- روستایی، کیفیت زندگی شهروندان را پایین آورده و زیست‌پذیری شهر را در مناطق گوناگون شهر به شدت با بحران روبرو ساخته است.

در همین راستا، این پژوهش در پی دستیابی به فرایند چگونگی شکل‌گیری درک از زیست‌پذیری شهری در بین شهروندان تهرانی، با در نظر داشتن مفهوم حس تعلق مکانی است. به عبارتی دیگر، فرضیه اثرگذاری حس تعلق به مکان بر زیست‌پذیری، بررسی شده است. در واقع، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بنیادی است؛ که در فرایند ادراک زیست‌پذیری فضاهای شهری از عینیت مطلق تا ذهنیت، حس تعلق مکانی چه نقشی را ایفا می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش، مناطق ۱، ۴، ۵ و ۶ تهران به دلیل واجد بودن ترکیبی مناسب از بافت قدیم و نوساز و همچنین وجود شرایط محیطی و کالبدی متفاوت به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه پژوهش انتخاب شدند.

۲. تعاریف و مفاهیم مرتبط با زیست‌پذیری شهری

صاحب نظران و اندیشمندان حوزه شهر پیرامون مفهوم زیست‌پذیری نظرات گوناگونی ارائه کرده‌اند؛ که اغلب تکمیل‌کننده یکدیگرند. آنها سعی داشته‌اند تا با اشاره به مفاهیم و موضوعات مرتبط با زیست‌پذیری و راه‌های رسیدن به آن، این مفهوم را تبیین کنند. برخی از اندیشمندان، زیست‌پذیری شهری را به صورت سازگاری بین فرم و فعالیت بیان می‌کنند. برخی دیگر اعتقاد دارند که زیست‌پذیری شهرها متأثر از آن است که هر مکان، بستر چه رفتارهایی است و تمایلات مردم نسبت به آنها چگونه است. به عبارتی دیگر، شهری زیست‌پذیر است که مردم در آن حضور یابند و امکان تعامل با سایر افراد را داشته باشند.

به طور کلی زیست‌پذیری و اجتماع زیست‌پذیر دربرگیرنده مجموعه متنوعی از مفاهیم از قبیل دسترسی، برابری و مشارکت است. کیفیت زندگی شهروندان به میزان دسترسی آنها به حمل و نقل عمومی، بهداشت، آب و غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل راضی کننده و فضای سبز (پارک‌ها) بستگی دارد. به عبارت دیگر زیست‌پذیری یک معنای کلی است که با تعدادی از مفاهیم دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی، کیفیت مکان و اجتماعات سالم در ارتباط است. (Norris & Pittman, 2000: 120) : همچنین زیست‌پذیری یک شهر به میزان مشارکت ساکنان آن در فرایند تصمیم‌گیری به منظور تأمین نیازهایشان، وابسته است (Timmer & Seymour, 2006: 10)

Cowan and Rogers (2005) در لغت‌نامه شهرسازی، زیست‌پذیری را مناسب برای زندگی و فراهم آوردن کیفیت مطلوب زندگی تعریف می‌نمایند. لنگ (۱۳۸۶) زیست‌پذیری را سازگاری بین محیط و فعالیت‌های انجام شده در آن تعریف کرد. (Southworth 1989) زیست‌پذیری را یک ارزش دارای ابهام تعریف کرد که افراد مختلف آن را به طور متفاوتی تفسیر می‌کنند.

Lennard (1997) زیست‌پذیری را امکان تماشای مردم و شنیدن صدای آنها، امکان گردهم آمدن غیر رسمی مردم در عرصه‌های عمومی، فرصت اجتماعی شدن برای کودکان و جوانان در عرصه‌های عمومی، تأیید و ارزش قائل شدن همه شهروندان برای یکدیگر و احترام به معرفت و آگاهی تمام ساکنان شهر، تعریف می‌کند. (Barton 2014) زیست‌پذیری را به عنوان مکان با کیفیت و محیط‌زیست با کیفیت شهری تعریف می‌کند. (Adam et al. 2017) معتقدند که زیست‌پذیری معیاری است؛ که بر اساس آن عملکرد شهرها از لحاظ سطح زندگی ایجاد شده برای ساکنان، بررسی می‌شوند.

زیست‌پذیری شامل سه مؤلفه اقتصاد، اجتماع و محیط زیست است. در بسیاری از تحقیقات این مؤلفه‌ها به طور مستقل بررسی شده‌اند. همچنین می‌توان این مؤلفه‌ها را بدون تضاد با هم، با وزن یکسان در کنار هم بررسی کرد؛ تا به اهدافی مانند بهداشت، عدالت و کارایی در جوامع برسیم. (خراسانی و رضوانی، ۱۳۹۲: ۹۴).

۳. تعاریف و مفاهیم مرتبط با حس تعلق مکانی در رابطه با سرمایه اجتماعی و فرهنگی

با توجه به نیاز انسان به پایدار بودن، مکان مرزپذیر و با ثبات، منبعی مهم در تأمین هویت است (Morley & Robins, 1996: 127). تأمین انسجام اجتماعی که احساس تعلق داشتن به جمع را ممکن می‌کند، از دیگر خصوصیات مکان است (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۰). برای

تعریف مکان می‌توان از مؤلفه‌های "ویژگی‌های فیزیکی، فعالیت‌ها و تصورات" آغاز کنیم. اگر ساختار فیزیکی وجود ندارد می‌توان با تعریف فعالیت‌ها و گروه‌بندی آنها آغاز کرد و پس از شناسایی فعالیت‌ها، تصورات مرتبط با فعالیت‌ها را تعریف کرد، سپس فرم‌های فیزیکی متناسب با تصورات را ایجاد کرد (پاکزاد، ۱۳۹۴:۲۴۱).

به منظور درک بهتر مفهوم حس مکان می‌توان از مدل (Punter 1991) کمک گرفت، وی سه مؤلفه "محیط کالبدی"، "فعالیت" و "معنا" را در خلق حس مکان دخیل می‌داند؛ که بسیار با سه مؤلفه پیشنهادی (Canter 1997) یعنی "محیط کالبدی"، "فعالیت" و "تصور ذهنی" مشابه هستند (گلکار، ۱۳۹۰:۵۲-۵۱).

به طور کلی حس تعلق به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان و یکی از اجزای تعاملات انسانی اهمیت ویژه‌ای برای افراد، خانواده‌ها و اجتماع دارد.

آنچه تاکنون بیان گردید، رویکردهای نظری بود که در قالب روان‌شناسی محیطی و پدیدارشناسی، به حس تعلق مکانی پرداخته بودند. از دیگر موارد مهم در حس تعلق مکانی، عوامل مؤثر بر ایجاد این حس در میان ساکنین یک مکان است، که شامل عوامل اجتماعی-فرهنگی و عوامل کالبدی-فضایی هستند.

با توجه به اینکه عوامل اجتماعی-فرهنگی از موارد مؤثر بر حس تعلق مکانی است در ادامه به تشریح آن پرداخته می‌شود. سرمایه اجتماعی از تعهدات و ارتباطات اجتماعی به وجود می‌آید که در شرایط خاصی می‌توان آن را به سرمایه اقتصادی تبدیل کرد (Bourdieu, 1984: 153). به عبارتی سرمایه اجتماعی، تراکم منابع واقعی یا بالقوه و حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده از آگاهی و شناخت متقابل یا عضویت در یک گروه است (Bourdieu, 1984: 248). سرمایه اجتماعی جوامع را بهم متصل می‌کند و اعتماد، مشارکت و شبکه‌های اجتماعی، مؤلفه‌های آن هستند. منظور از سرمایه اجتماعی، آن دسته روابط اجتماعی است که تولید کالاهای مادی یا غیرمادی را تسهیل می‌کند (Paxton, 1999: 90). سرمایه فرهنگی نیز مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد، برای حفظ کردن یا به‌دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند (صالحی امیری و سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۶۴). سرمایه فرهنگی دربرگیرنده گرایش‌ها و عادت‌های پابرجا و تثبیت شده در طول فرآیند جامعه‌پذیری و نیز صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی است (نوغانی، ۱۳۸۲: ۱۷). سرمایه فرهنگی برای بررسی این مسئله که موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری‌های موجود در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف، کافی نیست، ابداع شد (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۶).

۴. جمع‌بندی از مبانی نظری تحقیق و تبیین مدل مفهومی پژوهش

با توجه به تعاریف و نظریات آورده شده در مبانی نظری، می‌توان معیارها و شاخص‌های تأثیرگذار بر دو مفهوم زیست‌پذیری و حس تعلق مکانی را در جدول شماره ۱ صورت‌بندی نمود.

جدول ۱. معیارها و شاخص‌های تأثیرگذار بر دو مفهوم زیست‌پذیری و حس تعلق مکانی،

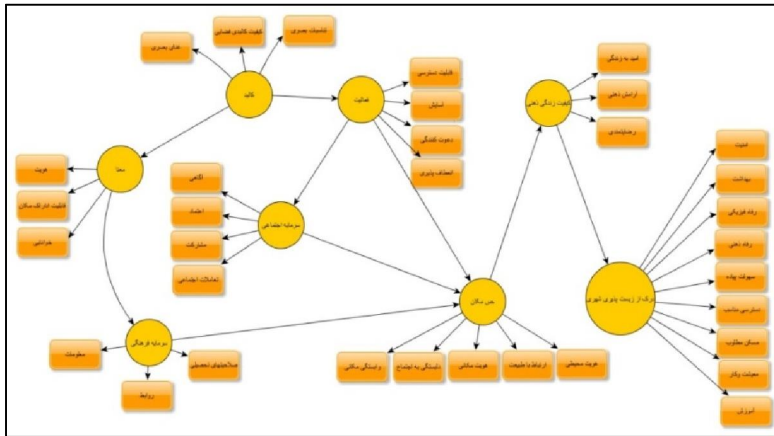
ردیف	معیارها	شاخص‌ها	ماخذ
۱	کالبد	تناسبات	Carter (1997). Punter (1991).Barton (2014). بندرآباد (۱۳۹۰). فلاحت (۱۳۸۵). خراسانی و همکاران (۱۳۹۲). پاکزاد (۱۳۹۴). گلکار (۱۳۹۰)
		کیفیت کالبد	
		غناى بصرى	
۲	معنا	هویت	Cowan and Adam et al.(2017).Wang et al.(2016) Rogers (2005).Southworth(1989).Punter (1991). خراسانی و همکاران(۱۳۹۲). تاجیک(۱۳۸۴). گلکار(۱۳۹۰)
		قابلیت ادراک	
		خوانایی	
۳	فعالیت	قابلیت	Punter . Wang et al.(2016) . Norris & Pittman(2000) .(1991).Canter(1997).Insch & Heylen (2006) . Florek(2010).Lennard (1997). خراسانی و همکاران(۱۳۹۲). بندرآباد(۱۳۹۰). پاکزاد (۱۳۹۴). گلکار (۱۳۹۰)
		آسایش	
		دعوت	
		انعطاف پذیری	
۴	سرمایه اجتماعی	آگاهی	Norris & Pittman(2000).Insch & Florek(2010) . Heylen (2006).Peter (2002).Visser et al.(2005) . Morley & Robins (1996).Lennard (1997) .Paxton (1999) . Bourdieu (1984) . et al.(2006). خراسانی و
		اعتماد	
		مشارکت	
		تعاملات	
۵	سرمایه فرهنگی	صلاحیت‌های	Bourdieu . Norris & Pittman(2000).Wang et al.(2016) .(1984).Paxton (1999). خراسانی و همکاران (۱۳۹۲). ساسان پور و همکاران (۱۳۹۳). صالحی امیری و همکاران (۱۳۹۴). نوغانی (۱۳۸۲). شویره و همکاران (۱۳۸۵)
		روابط	
		معلومات	
۶	حس مکان	وابستگی مکان	Norris & Hahlweg (1997)..Wang et al.(2016) .Pittman(2000).Cowan and Rogers (2005).Morley & Robins (1996) .Punter (1991).Canter(1997). همکاران (۱۳۹۶). خراسانی و همکاران (۱۳۹۲). تاجیک (۱۳۸۴). گلکار (۱۳۹۰)
		دلبستگی به	
		هویت مکانی	
		ارتباط با	
۷	کیفیت زندگی	هویت محیطی	Cowan and Rogers (2005).Visser et al.(2005) .Barton(2014).Lennard (1997) . بندرآباد(۱۳۹۰)
		امید به زندگی	
		آرامش ذهنی	
۸	درک از زیست‌پذیری	رضایتمندی	Wang et . Norris & Pittman(2000).Mccrea et al.(2005) . Heylen (2006).Insch & Florek(2010) .al.(2016) .Lennard (1997).Barton(2014).Visser et al.(2005) . خراسانی و همکاران(۱۳۹۲). بندرآباد(۱۳۹۰). ساسان پور و همکاران(۱۳۹۶). فرجی و همکاران (۱۴۰۰). ابراهیم پور (۱۳۹۹). اوصالو (۱۴۰۰)
		امنیت	
		بهداشت	
		رفاه فیزیکی	
		رفاه ذهنی	
		سهولت پیاده	
		دسترسی	
		مسکن مطلوب	
موقعیت و کار			

منبع: نگارندگان

جدول شماره ۱ که برگرفته از تحقیقات پیشین است، نشان می‌دهد که شاخص‌های کالبد، معنا، فعالیت، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، حس مکان، کیفیت زندگی و درک از زیست‌پذیری از عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهروندان است. سه عامل کالبد، معنا و فعالیت عوامل شکل‌دهنده شهر هستند که در مراحل اولیه درک و خوانش شهر مد نظر قرار می‌گیرند. همچنین کالبد به دلیل عینی‌تر بودن نسبت به عوامل دیگر، به عنوان مستقل‌ترین متغیر در ابتدای سلسله اثرگذاری متغیرهای تعلق مکانی قرار گرفته است که در درجات بعدی آن معنا و فعالیت به دلیل شکل گرفتن در ظرف کالبد قرار دارند. همچنین سرمایه اجتماعی و فرهنگی نیز در لایه‌های بعدی قرار دارند که جمیع این عوامل، حس مکان افراد را تشکیل می‌دهد. شاخص حس مکان نیز با اثرگذاری بر کیفیت زندگی ذهنی ساکنان شهری، منجر به تغییر در درک از زیست‌پذیری خواهد شد. تقدم و توالی شاخص‌های مؤثر بر زیست‌پذیری شهروندان بر اساس ۹ فرضیه به شرح ذیل در این تحقیق بررسی شدند.

فرضیه اول اثرگذاری کالبد بر معنا و فرضیه دوم اثرگذاری کالبد بر فعالیت هستند. این دو فرضیه بر این اساس استوار هستند که کالبد که مفهومی عینی است، بر دو عامل معنا و فعالیت تأثیرگذار است. فرضیه سوم اثرگذاری معنا بر سرمایه فرهنگی و فرضیه چهارم اثرگذاری فعالیت بر سرمایه اجتماعی هستند. فرضیه‌های سوم و چهارم برگرفته از آن است که مفاهیم مرتبط با معنا و فعالیت شکل‌دهنده سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی هستند.

همچنین با مرور ادبیات مرتبط با حس مکان مشخص شد که این مفهوم دارای دو بعد عینی و ذهنی است که در بعد عینی این گونه می‌توان انگاشت که از فعالیت اثر می‌پذیرد و در بعد انتزاعی آن از سرمایه فرهنگی و اجتماعی. (فرضیه پنجم: اثرگذاری فعالیت بر حس مکان؛ فرضیه ششم: اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر حس مکان؛ فرضیه هفتم: اثرگذاری سرمایه فرهنگی بر حس مکان). بررسی اثرات دوگانه بین حس مکان و رضایتمندی، نشان داد که حس مکان تأثیر معناداری بر کیفیت زندگی شهری در شهروندان دارد. (فرضیه هشتم: اثرگذاری حس مکان بر کیفیت زندگی شهروندان). در نهایت، همان‌طور که در مبانی نظری و ادبیات پژوهش آورده شد، رابطه مستقیم و معناداری را می‌توان بین کیفیت زندگی افراد در بخش ذهنی با میزان کیفیت زیست‌پذیری در شهری که در آن زندگی می‌کنند در نظر گرفت که به عنوان فرضیه نهم پژوهش در نظر گرفته شد. با توجه به ۹ فرضیه مطرح شده، مدل مفهومی تحقیق طراحی و تبیین شد که مطابق نمودار (۱) است.



مدل (۱): مدل مفهومی چگونگی اثرگذاری حس تعلق مکان بر زیست‌پذیری

منبع: نگارندگان

این مدل در بخش‌های بعدی تحقیق با توجه به اهداف تحقیق در نمونه‌های مورد بررسی و با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵. مواد و روش‌ها

این پژوهش با توجه به رویکرد آن، توصیفی-تحلیلی است و مبتنی بر عملکرد نهادها در مواجهه با فضاهای شهری در قالب نگرش هم‌افزایی و یکپارچه است.

گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای-اسنادی و پیمایشی-کمی مبتنی بر پرسشنامه انجام شد. در این پژوهش برای انجام آمارهای توصیفی و آمار استنباطی به منظور مدل‌سازی معادلات ساختاری، از نرم‌افزارهای SPSS و Smartpls استفاده شد.

معادلات ساختاری شامل دو مؤلفه است: الف) مدل ساختاری، که ساختار بین متغیرهای پنهان را مشخص می‌کند؛ ب) مدل اندازه‌گیری، که روابط بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده را تعریف می‌کند. معادلات ساختاری از جمله تحلیل‌های همبستگی بر اساس ماتریس کوواریانس یا ماتریس همبستگی است. با توجه به هدف تحقیق، تحلیل‌های انجام شده شامل: تحلیل عاملی (Factor Analysis) و مدل معادلات ساختاری (Structural Equations Model) است.

برای جمع‌آوری اطلاعات از نمونه آماری و به منظور انجام آزمون فرضیه‌های مدنظر، پرسشنامه‌ای منطبق با متغیرهای تحقیق تهیه شد. پرسشنامه تحقیق متشکل از دو دسته

سؤال است؛ دسته اول سؤالات توصیفی بوده و به منظور تعیین و مشخص شدن مشخصات جامعه آماری از لحاظ جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات و سن از شرکت کنندگان طراحی شدند. دسته دوم سؤالات، استنباطی و تحلیلی است و به منظور بررسی و تحلیل داده‌های پژوهش، در راستای دستیابی به اهداف کلی آن تنظیم شدند. با توجه به مدل مفهومی تحقیق، پرسشنامه به نحوی تنظیم شده است که ۸ عامل کالبد، معنا، فعالیت، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، حس مکان، کیفیت زندگی ذهنی و درک از زیست‌پذیری شهری را با توجه به ساختار هرکدام بررسی می‌کند. پرسشنامه زیست‌پذیری شهری، ابزاری است که برای سنجش و ارزیابی درک شهروندان از زیست‌پذیری شهری در تهران، با استفاده از طیف لیکرت در نظر گرفته شده است (Krosnick & Fabrigar, 1997:150). تشریح پرسشنامه با توجه به شاخص‌های تبیین شده در مبانی نظری پژوهش، در ضمیمه ارائه شده است.

در این پژوهش، جامعه آماری شامل ساکنین مناطق یک، چهار، پنج و شش از شهر تهران هستند. تهران بزرگ‌ترین شهر و پایتخت ایران، مرکز استان تهران است. این شهر در جنوب دامنه‌ی رشته‌کوه البرز در ۱۱۲ کیلومتری جنوب دریای خزر واقع شده است. جمعیت شهر تهران طبق سرشماری سال (۱۳۹۵) بالغ بر ۸،۶۹۳،۷۰۶ نفر و مساحت آن ۷۳۰ کیلومتر مربع است. این شهر از نظر جمعیت و وسعت، به ترتیب بیست و پنجمین و بیست و هفتمین شهر دنیا است. این شهر دارای یک شبکه‌ی متراکم بزرگراهی و ۷ خط فعال مترو و چهار خط در حال احداث است که در بهار سال ۱۳۹۰، ۱۲۹ میلیون مسافر را جابه‌جا کرده‌اند. به لحاظ تقسیمات اداری، شهر به ۲۲ منطقه شهرداری تقسیم شده است. برای تخمین حجم نمونه، از رابطه "تعیین حجم نمونه کوکران" به صورت ذیل استفاده شده است (Cochran, 1940:94).

$$n = \frac{\left(\frac{Z^2 pq}{d^2}\right)}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{Z^2 pq}{d^2} - 1\right)} \quad (1)$$

که در رابطه فوق n : حجم نمونه آماری، N : حجم جامعه آماری، d : اشتباه مجاز (معمولاً را برابر ۰.۰۵ در نظر می‌گیرند)، Z : مقدار متغیر نرمال، p : نسبت برخورداری از صفت مورد نظر (مثلاً جمعیت مردان)، q : نسبت عدم برخورداری از صفت مورد نظر (مثلاً جمعیت زنان). با توجه به عدم وجود اطلاعات در مورد ویژگی‌های موجود در گروه نمونه، درصد بیشینه یعنی مقادیر ۰/۵ برای بود و نبود ویژگی و صفت مورد اندازه‌گیری لحاظ شده است که این عدد با توجه به داده‌های موجود در ۳۰ پرسشنامه اول به دست آمده است. همچنین برای خطای

اندازه‌گیری مقدار $0/05$ (خطای حدی) انتخاب شده و بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران تعداد 384 نفر برای مطالعه برآورد گردید. مناطق ۱، ۴، ۵ و ۶ تهران با توجه به تنوع شرایط محیطی به عنوان نمونه مورد بررسی تحقیق انتخاب شدند. پس از توزیع 60 پرسشنامه و به دست آوردن آماره‌های p و q در فرمول کوکران مشخص شد، که با توزیع 600 پرسشنامه می‌توان تا حد قابل قبولی به روایی و پایایی مناسبی رسید.

۶. یافته‌ها

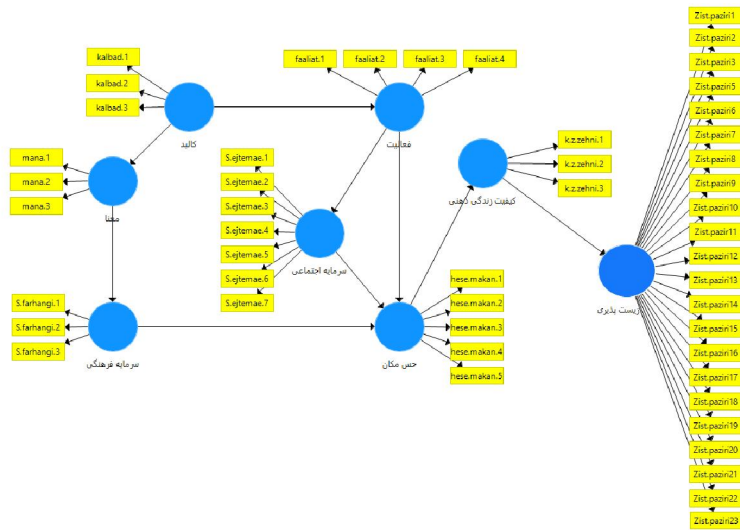
در این بخش، با توجه به روش تحقیق و همچنین اهداف تبیین شده پژوهش، تحلیل داده‌ها صورت پذیرفت. در ابتدا، پایایی پرسشنامه تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. روش آلفای کرونباخ، از پرکاربرترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری در نرم‌افزار Spss است. روش آلفای کرونباخ مبتنی بر انحراف استاندارد سوالات است و بر اساس همبستگی درونی سوالات، مقدار آلفا استخراج می‌شود. چنانچه این مقدار بیش‌تر از $0/7$ باشد، می‌توان گفت ابزار دارای پایایی مناسب است. همچنین، مقدار کم آلفا دلالت بر پایایی پائین ابزار اندازه‌گیری دارد (Bland & Altman, 1997:572). مقادیر آلفای کرونباخ محاسبه شده در این تحقیق در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۲. مقادیر آلفای کرونباخ محاسبه شده به منظور بررسی پایایی تحقیق

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سوالات
$0/801$	۵۱

منبع: نگارندگان

جدول (۲) نشان می‌دهد که مقدار آلفای کرونباخ استاندارد بالاتر از $0/7$ است. از این رو این پژوهش از پایایی مناسبی برخوردار است و نتایج حاصله قابل اتکا است. بنابراین پس از بررسی پایایی پژوهش و مثبت بودن نتایج به تحلیل و ارزیابی می‌پردازیم. برای تحلیل و سنجش مدل ساختاری پژوهش (مدل ۲) از تحلیل داده‌ها به وسیله مدل معادلات ساختاری استفاده شد.



مدل ۲. مدل معادلات ساختاری پژوهش، منبع: نگارندگان

در مرحله اول، برای تأیید روایی ابزار اندازه‌گیری از روایی محتوی و روایی همگرا استفاده شد. روایی محتوی به وسیله اطمینان از سازگاری بین شاخص‌های اندازه‌گیری و مسئله موجود ایجاد شده و این روایی توسط نظرسنجی از اساتید حاصل گشت. روایی همگرا نشان دهنده آن است که شاخص‌های هر سازه با یکدیگر همبستگی میانه‌ای داشته باشند. معیار روایی همگرا بودن این است که میانگین واریانس‌های خروجی بیشتر از $0/5$ باشد (Fornell & Larcker, 1981:385). همچنین در این پژوهش جهت تعیین پایایی ابزار، از دو معیار ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ تمامی متغیرها می‌بایست از حداقل مقدار $0/7$ بیشتر باشد؛ در حالی که، پایایی مرکب، بر خلاف آلفای کرونباخ که هر شاخص را با وزن یکسان در نظر می‌گیرد، متکی بر بارهای عاملی حقیقی هر سازه است، بنابراین معیار بهتری را برای پایایی ارائه می‌دهد. پایایی مرکب نیز باید مقداری بیش از $0/7$ ، بیانگر ثبات درونی سازه باشد (Fornell & Larcker, 1981:387). در جدول ذیل نتایج پایایی و روایی ابزار سنجش ارائه شده است.

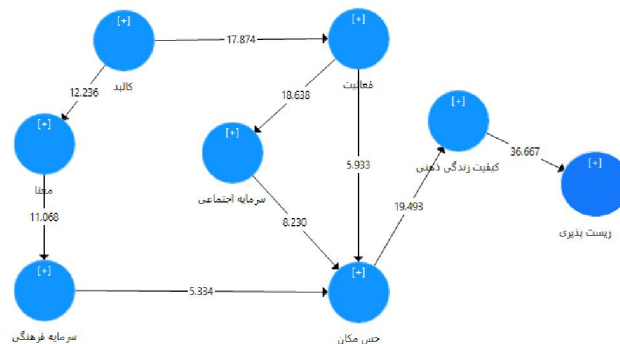
جدول ۳. آماره‌های روایی همگرا و پایایی ابزار اندازه‌گیری

شاخص	واریانس استخراج شده (AVE)	پایایی مرکب (CR)	ضریب آلفای کرونباخ
کالبد	۰,۵۴۸	۰,۷۷۸	۰,۷۶۶
فعالیت	۰,۵۴۶	۰,۷۶۱	۰,۷۸۳
معنا	۰,۵۱۸	۰,۷۶۰	۰,۷۳۰
سرمایه اجتماعی	۰,۵۲۰	۰,۷۱۱	۰,۷۶۵
سرمایه فرهنگی	۰,۵۵۴	۰,۷۸۸	۰,۷۹۵
حس مکان	۰,۵۳۱	۰,۸۱۹	۰,۸۰۲
کیفیت زندگی ذهنی	۰,۶۳۴	۰,۸۳۸	۰,۸۰۶
درک از زیست‌پذیری	۰,۵۴۹	۰,۸۸۹	۰,۸۶۷

منبع: نگارندگان

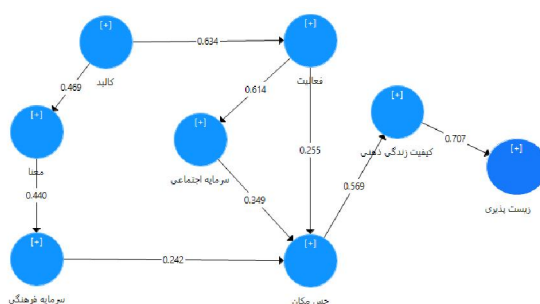
جدول (۳) نشان می‌دهد که آماره‌های پایایی مرکب و ضریب آلفای کرونباخ برای کلیه شاخص‌ها از حداقل مقدار مجاز (۰/۷) بیشتر هستند. از این رو ابزار و مدل اندازه‌گیری پژوهش از روایی و پایایی مناسبی برخوردار هستند.

به منظور آزمون معنادار بودن روابط متغیرها در مدل ساختاری، از آماره t استفاده شد که با استفاده از الگوریتم راه اندازی خودکار (Bootstrapping) به دست می‌آید. آماره t معنی‌دار بودن اثر متغیرها را بر هم نشان می‌دهد؛ به طوری که مقادیر بیشتر از ۱/۹۶ نشان دهنده معنادار بودن رابطه بین متغیرها است. همچنین جهت سنجش شدت این رابطه‌ها می‌بایست از ضرایب مسیر استفاده شود. مدل‌های (۳) و (۴) به ترتیب نتایج آزمون t و ضرایب ساختاری مدل را نشان می‌دهد.



مدل ۳. مسیرهای معنی‌دار روابط متغیرها در مدل ساختاری بر اساس آزمون t

منبع: نگارندگان



مدل ۴. ضرایب ساختاری مسیرهای معنی دار روابط متغیرها

منبع: نگارندگان

با توجه به مدل ها و مقدار آماره t بالاتر از ۹۶.۱، دو مسیر معنادارتر در جهت ارتقای زیست پذیری مناطق مورد مطالعه شهر تهران به ترتیب ارائه شده در جدول ذیل است.

جدول ۴. مسیرهای معنادار جهت ارتقا زیست پذیری شهر تهران

معنی داری	مسیر ارتقای زیست پذیری
تأیید است	کالبد ← معنا ← سرمایه فرهنگی ← حس مکان ← کیفیت زندگی ذهنی ← زیست پذیری
تأیید است	کالبد ← فعالیت ← سرمایه اجتماعی ← حس مکان ← کیفیت زندگی ذهنی ← زیست پذیری

منبع: نگارندگان

در نهایت برای اندازه گیری برازش مدل ساختاری از شاخص استون و گیسر (Q^2) استفاده شد. شاخص Q^2 قابلیت پیش بینی مدل در سازه های درونزا را مشخص می کند. مدل هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش بینی متغیرهای درونزای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه ها به درستی تعریف شده باشند، سازه ها تأثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه ها به درستی تأیید شوند. سه مقدار ۰/۱۵، ۰/۲ و ۰/۳۵ به ترتیب به عنوان قدرت پیش بینی کم، متوسط و قوی هستند. برای محاسبه شاخص Q^2 از تکنیک بلایند فولدینگ استفاده شده است. همان طور که در جدول ۵ دیده می شود، تمامی شاخص ها دارای مقادیر Q^2 بیشتر از ۰/۲ بوده و این نشان دهنده قدرت پیش بینی متوسط به بالای مدل پژوهش بوده است.

جدول ۵. مقادیر آماره Q^2 برای شاخص‌های مورد استفاده در مدل ساختاری

متغیر	Q^2
کالبد	-
فعالیت	۰,۲۲۴
معنا	۰,۲۳۵
سرمایه اجتماعی	۰,۲۱۳
سرمایه فرهنگی	۰,۲۰۱
حس مکان	۰,۲۶۹
کیفیت زندگی ذهنی	۰,۲۰۹
درک از زیست‌پذیری	۰,۲۹۵

منبع: نگارندگان

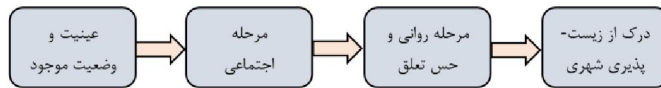
۷. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به بروز بسیاری از بحران‌های زیست محیطی و اقتصادی در سطح جهان، مفهوم زیست‌پذیری توجه بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران را به خود معطوف کرده است. اهمیت این موضوع در علمی که با جنبه‌های مکانی و زندگی مردم مرتبط هستند از قبیل شهرسازی و علوم مرتبط با برنامه‌ریزی محیطی و مکانی؛ مشهودتر است.

در چند دهه گذشته و به‌طور مشخص پس از شکست جنبش مدرن در علوم محیطی و شهری، توجه به مقوله‌های مرتبط با روانشناسی محیط و علوم رفتاری در مباحث شهری و صدر مطالعات بسیاری از مؤسسه‌های پژوهشی قرار گرفته است. همچنین، از میان شاخه‌های مرتبط با علمی روانشناسی محیط و رفتاری، حس تعلق به مکان نیز با توجه به جنبه‌های عینی-ذهنی آن و تکیه بر مباحث روان‌شناسانه برجسته‌تر است. با توجه به نکات گفته شده و ضرورت‌های موجود، این پژوهش با هدف اصلی بررسی و دستیابی به نقش حس تعلق مکانی بر زیست‌پذیری شهری شکل گرفت. در همین راستا، ابتدا مفاهیم مرتبط با زیست‌پذیری شهری و ابعاد و شاخص‌های آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در مرحله بعدی، مفاهیم و مروری بر تحقیقات پیشین حس تعلق به مکان بررسی شدند. در گام بعدی، سعی شد که با توجه به دیدگاه و نظرات اندیشمندان و همچنین تحقیقات پیشین، مدل مفهومی تحقیق از عوامل کالبدی، محیطی و به‌طور خلاصه عینی به درک از زیست‌پذیری شهری و با در نظر گرفتن حس تعلق به مکان تبیین شد. این مدل که به‌طور خلاصه در نمودار (۱) نشان داده شده است، بر مبنای ۸ شاخص کالبد، فعالیت، معنا، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، حس مکان، کیفیت زندگی ذهنی و درک از زیست‌پذیری شهری طراحی شد. همان‌طور که در نمودار (۱)

مدل مفهومی تحقیق مشخص شده است، کالبد به عنوان مستقل‌ترین متغیر و درک از زیست‌پذیری شهری توسط شهروندان به عنوان مستقل‌ترین عامل در آن هستند. بقیه متغیرها از جمله حس تعلق به مکان، نقش دوگانه مستقل و وابسته را دارند.

در این تحقیق، مدل مفهومی به عنوان مبنا قرار داده شد که با توجه به آن و زیرشاخص‌های مرتبط با آن، پرسشنامه‌ای با ۵۱ سؤال طراحی شد. همچنین بر مبنای انتخاب تهران به عنوان نمونه موردی، چهار منطقه از آن شامل مناطق ۱، ۴، ۵ و ۶ به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه تحقیق انتخاب شدند. با توجه به روش‌های نمونه‌گیری آماری، تعداد ۶۰۲ پرسشنامه به نسبت جمعیت در هر یک از این مناطق توزیع شد. پس از تحلیل پرسشنامه‌ها، مدل مفهومی تحقیق با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری تهیه شد. نتایج اخذ شده از تحلیل مدل مفهومی تحقیق نشان داد که دو مسیر معنادار از متغیرهای مستقل به متغیر وابسته تحقیق (درک از زیست‌پذیری شهری) وجود دارد. مسیر اول که دارای ضریب مسیر بیشتری است و به عنوان "مسیر بحرانی" انتخاب شد. مسیر بحرانی شامل، کالبد ← فعالیت ← سرمایه اجتماعی ← حس مکان ← کیفیت زندگی ذهنی ← زیست‌پذیری، است. در تفسیر این مسیر می‌توان بیان کرد که کالبد و وضعیت عینی موجود در مناطق مورد بررسی، از نگاه شهروندان، منجر به ایجاد فعالیت‌های متنوع اعم از اختیاری و اجباری خواهد شد. این فعالیت‌ها در درجه بعدی موجب تولید سرمایه اجتماعی بین شهروندان خواهد شد که همان طور که در بخش مبانی نظری آورده شده زیرشاخص‌های آن‌ها، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تعاملات و آگاهی اجتماعی هستند. این سرمایه اجتماعی در مرحله بعدی شکل‌گیری حس مکان در افراد را سبب خواهد شد و در نهایت منجر به ایجاد کیفیت زندگی ذهنی (رضایتمندی) و درک از زیست‌پذیری شهری می‌شود. بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که شهروندان تهرانی مورد مطالعه با توجه به توان کالبدی تولید فعالیتی که در شهر وجود دارد، سرمایه اجتماعی ایجاد شده را مورد توجه قرار می‌دهند که این امر در طی شکل‌گیری فرایندهای ذهنی به ترتیب حس مکان و کیفیت زندگی ذهنی آن‌ها را رقم زده است و آن‌ها این نوع از کیفیت زندگی را به طور قابل توجهی در زیست‌پذیری خود دخیل می‌دانند. همچنین، در تفسیر مسیر اول می‌توان بیان کرد که درک از وضعیت موجود شهر توسط شهروندان تهرانی، پس از طی مرحله اجتماعی، وارد مرحله روانی می‌شود که دربرگیرنده حس تعلق به مکان و کیفیت ذهنی است و در نهایت میزان درک آن‌ها از زیست‌پذیری شهری را ایجاد می‌کند. روند کلی توصیفات فوق به‌طور خلاصه در نمودار (۵) ارائه شده است.



نمودار (۵): سازوکار شکل‌گیری زیست‌پذیری شهری بر مبنای حس تعلق مکانی، منبع: نگارندگان

مسیر دوم که در فرایند شکل‌دهی به درک از زیست‌پذیری شهری ایفای نقش می‌کند و نسبت به مسیر اول از اهمیت کمتری برخوردار است، شامل: کالبد ← معنا ← سرمایه فرهنگی ← حس مکان ← کیفیت زندگی ذهنی ← زیست‌پذیری است. همان‌طور که مشخص است این مسیر به‌جای فرایند اجتماعی کردن، مسیر در راستای هویت‌سازی را طی می‌کند. این مسیر در مناطقی که از سرمایه اجتماعی پایین‌تری برخوردارند، به‌طور برجسته‌تری مشهود است. همان‌طور که ماهیت این مسیر نشان می‌دهد، نسبت به مسیر اول، دارای وضعیتی ذهنی‌تر و انتزاعی‌تر است. در خصوص سرمایه فرهنگی که در این مسیر مشهود است می‌توان به این نکته اشاره کرد که، سرمایه فرهنگی مفهومی با مقیاس فرامکانی است و شکل‌گیری آن تا حد کمی وابسته به متغیرهای شهری و نتیجتاً معنای استخراج شده از کالبد شهر است. بنابراین، با توجه به اثرگذاری اندک معنای مکان بر سرمایه فرهنگی، می‌توان در تحلیل‌های زیست‌پذیری، برخلاف سرمایه اجتماعی، از آن تا حد زیادی صرف‌نظر کرد. بررسی نتایج این تحقیق نشان داد که ضرورت توجه به ایجاد فضاهایی که تعاملات اجتماعی را در فضاهای شهری گسترش و تقویت کنند، به‌منظور تزریق حس مکان و تقویت زیست‌پذیری شهری، احساس می‌شود.

منابع و مآخذ:

- ۱- ابراهیم پور، ا. ۱۳۹۹. برنامه‌ریزی بیوفیلیک رویکردی جدید در راستای دستیابی به زیست‌پذیری در شهرهای جدید ایران (نمونه موردی : شهر جدید هشتگرد). نشریه آمایش محیط، ۱۳(۵۰)، ۳۹-۵۹.
- ۲- اوصانلو، ع؛ عندلیب، ع؛ طغیانی، ش. ۱۴۰۰. تبیین فرایند پایش توازن کالبدی در مدل نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده‌ی شهری با استفاده از روش سیستم داینامیک (نمونه موردی: بافت فرسوده مرکزی شهر زنجان). نشریه آمایش محیط، ۱۴(۵۵)، ۳۵-۶۰.
- ۳- بندرآباد، ع، ۱۳۹۰. شهر زیست‌پذیر از مبانی تا معانی. آذرخش. ۱۹۲.
- ۴- پاکزاد، ج، ۱۳۹۴. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی. آرمانشهر. ۴۴۰.
- ۵- تاجیک، م، ۱۳۸۴. روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان. فرهنگ گفتمان. ۲۳۲.
- ۶- خراسانی، م، رضوانی، م، ۱۳۹۲. سنجش و ارزیابی مؤلفه‌های زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهری (بررسی موردی: شهرستان ورامین). توسعه روستایی، (۱) ۵، ص ۸۹-۱۱۰.
- ۷- رلف، ا، ۱۳۹۷. مکان و بی مکانی. محمدرضا نقصان محمدی. آرمان شهر. ۱۷۴.
- ۸- ساسان پور، ف، تولایی، س، جعفری اسد آبادی، ح، ۱۳۹۳. قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: کلان شهر تهران). انجمن جغرافیای ایران، ۴۲، ۱۵۷-۱۲۹.
- ۹- شویره، ک، فونتن، ا، ۱۳۸۵. واژگان بوردیو، مرتضی کتبی. نی. ۱۵۲.
- ۱۰- صالحی‌امیری، س، ر، سپهرنیا، ر، ۱۳۹۴. الگوی ارتقای سرمایه فرهنگی در ایران، ققنوس. ۲۸۰.
- ۱۱- فرجی، س؛ حامی، ا؛ امامی، ف، ۱۴۰۰. ارزیابی شاخص‌های کیفیت منظر عمومی شهری. نشریه آمایش محیط، ۱۴(۵۵)، ۶۱-۸۰.
- ۱۲- فلاحت، م. ۱۳۸۵. مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۵۷-۶۶.
- ۱۳- گلکار، ک، ۱۳۹۰. آفرینش مکان پایدار: تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری. دانشگاه شهید بهشتی. ۵۱۰.

- ۱۴- لنگ، ج، ۱۳۸۶. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران. ۳۲۸.
- ۱۵- نوغانی، م، ۱۳۸۲. آموزش و پرورش و بازتولید فرهنگی، آموزش علوم اجتماعی، ۳. ص ۲۱-۱۲.
- ۱۶- ویلر، استفان؛ ف، ۱۳۹۳. برنامه‌ریزی برای پایداری: ایجاد جامعه زیست‌پذیر، متعادل و اکولوژی، ترجمه محمود جمعه پور و شکوفه احمدی، نشر علوم اجتماعی، تهران.
- 17- Adam, M., Ab Ghafar, N., Ahmed, A., & Nila, K. (2017). A systematic review on city liveability global research in the built environment: publication and citation matrix. *Journal of design and built environment*, 62-72.
- 18- Bland, J. M., & Altman, D. G. (1997). Statistics notes: Cronbach's alpha. *Bmj*, 314(7080), 572.
- 19- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. Harvard university press.
- 20- Burton, M. (2014). Quality of place. In *Encyclopedia of quality of life and Well-Being research* (pp. 5312–5314): Springer.
- 21- Canter, D. 1977. *The Psychology of Place*. London: Architectural Press.
- 22- Cochran, W. G. (1940). Note on an approximate formula for the significance levels of z. *The Annals of Mathematical Statistics*, 11(1), 93-95.
- 23- Cowan, R., & Rogers, L. (2005). *The dictionary of urbanism* (Vol. 67). Tisbury: Streetwise press.
- 24- Degnen, C. (2018). *Cross-Cultural Perspectives on Personhood and the Life Course*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- 25- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Structural equation models with unobservable variables and measurement error: Algebra and statistics. 382-388.
- 26- Jacobs, A., & Appleyard, D. (1987). Toward an urban design manifesto. *Journal of the American Planning Association*, 53(1), 112-120.
- 27- Hahlweg, D. (1997). The city as a family. *Making Cities Livable*. International Making Cities Livable Conferences. California, USA: Gondolier Press.
- 28- Heylen, K. (2006). Liveability in social housing: three case studies in Flanders. In ENHR Conference 'Housing in an Expanding Europe: Theory, Policy, Implementation and Participation', Date: 2006/07/02-2006/07/05, Location: Ljubljana (Slovenia).
- 29- Insch, A., & Florek, M. (2010). Place satisfaction of city residents: Findings and implications for city branding. *Towards effective place brand management: Branding European Cities and Regions*, 191-204.

- 30- Krosnick, J. A., & Fabrigar, L. R. (1997). Designing rating scales for effective measurement in surveys. *Survey measurement and process quality*, 141-164.
- 31- Lennard, H. L. (1997). Principles for the livable city. In *Making Cities Livable. International Making Cities Livable Conferences*. Gondolier Press: California, USA.
- 32- Mccrea, R., Stimson, R., & Western, J. (2005). Testing a moderated model of satisfaction with urban living using data for Brisbane-South East Queensland, Australia. *Social indicators research*, 72(2), 121-152.
- 33- Morley, D., & Robins, K. (1996). *Under Western Eyes: Media, Empire and Otherness. Spaces of Identity. Global Media, Electronic Landscapes and Cultural Boundaries*, London: Routledge, 125-146.
- 34- Norris, T., & Pittman, M. (2000). The healthy communities movement and the coalition for healthier cities and communities. *Public Health Reports*, 115(2-3), 118.
- 35- Paxton, P. (1999) "Is Social Capital Declining in the United States? A Multiple Indicator Assessment". *American Journal of Sociology*. 105(1):88-127.
- 36- Peter, E. (2002). *Livable cities: Urban struggles for livelihood and sustainability*.
- 37- Pryer, J. A. (2017). *Poverty and vulnerability in Dhaka slums: the urban livelihoods study*. Routledge.
- 38- Punter, J. (1991). Participation in the design of urban space. *Landscape design*, 200(1), 24-27.
- 39- Relph, E. 1976. *Place and Placelessness*, Pion, London.
- 40- Southworth, M. (1989). Theory and practice of contemporary urban design: a review of urban design plans in the United States. *Town Planning Review*, 60(4), 369.
- 41- Shamaï, S., & Ilatov, Z. (2005). Measuring sense of place: Methodological aspects. *Tijdschrift voor economische en sociale geografie*, 96(5), 467-476.
- 42- Timmer, Vanessa and Seymour, Nola- kate,(2006), *The livable city*. International centre for Ssutainable cities, Canada,PP25.
- 43- Usamah, M., Handmer, J., Mitchell, D., & Ahmed, I. (2014). Can the vulnerable be resilient? Co-existence of vulnerability and disaster resilience: Informal settlements in the Philippines. *International journal of disaster risk reduction*, 10, 178-189.
- 44- Visser, P., Dam, V. F., & Hooimeijer, P. (2005, June). The influence of neighbourhood characteristics on geographical differences in house prices in the Netherlands. In *European Network for Housing Research (ENHR) International Housing Conference (Vol. 29, pp. 149-169)*.

-
- 45- Wang, M., Yang, Y., Jin, S., Gu, L., & Zhang, H. (2016). Social and cultural factors that influence residential location choice of urban senior citizens in China–The case of Chengdu city. *Habitat International*, 53, 55-65.
- 46- Waxman, Lisa Kinch (2004), *More Than Coffee: An Examination of People, Place, and Community with Implications for Design*. Ph.D. Thesis, Florida State University.